

== گنج بریهای حقیقی ==

رفیق من تعجب می کرد از اینکه من بخود زحمت می دادم و قطعه سفال
هائمی که در چپ و راست راه ما روی زمین پراکنده بود جمع می کردم و
در کوله پشتی خود می گذاشتم . چیزی نمانده بود که واقعا ناراحت شود،
زیرا برآستی قیافه ناراضی بخود گرفته بود . عقیده داشت که من بهوای
لطیف آن روز آفتابی و مناظر زیبای طبیعت توجه نمی کنم و بیهوده در
جستجوی تپله شکسته می روم .

آیا هیچ توجه کرده اید که از همین قطعات کوچک سفال متقوس که از آثار
چندین قرن قبل ایران است چه اطلاعات مهمی راجع به مردم آن زمان بدست
می آید ؟



گنج بری از تپسون (۵۹×۴۵ سانتی متر) (ش ۱)

آنروز ما در زمینهای زراعتی مشرق شهرری مشغول راهپیمایی بودیم .
در زمینهای هموار این ناحیه مقدار زیادی از گنج بریهای زمان ساسانی و

کج بریه‌ای دوره اسلامی و سفالهای لعاب‌داری که مربوط به دوره‌های مزبور بود فاصله‌های مختلف روی زمین پراکنده بود. در آنجا در روی تپه‌ای که در حدود ۱۵ تا ۲۰ متر ارتفاع دارد بنای عظیمی از زمان ساسانیان برپاست و من آنروز رفیق خود را از استفاده از هوای لطیف و مناظر طبیعت منصرف کردم و بدون دهلیزهای طولی و طالارهای وسیع آن بردم.

وقتی بالای بلندترین نقطه این تپه مصنوعی می‌روید کاملاً واضح می‌شود که در بالای بام کاخ دو طبقه‌ای قرار دارد و از آنجا احصاری که کاخ و باغ و اطراف آنرا احاطه می‌کرده پیداست. دیوارهای خراب خانه‌های کوچک دیگری که در اطراف کاخ اصلی و در میان باغ قرار داشته از تپه‌ای که ما ایستاده بودیم پیدا بود و کاملاً معلوم بود که باغ مشجرو سیعی در اطراف این کاخ



(شکل ۲)

مج بری از تیسون (۶۵×۶۵ سانتیمتر)

بوده است.

بهر حال ما آن روز قسمتی از کجبر بهسای دیوار تالار پذیرایی این کاخ کهنه را از روی زمین جمع کردیم.



شما از تاریخ ایران در زمان ساسانی چه میدانید؟ افتخارات بزرگی برای ساسانیان در تاریخ ضبط است که از همه درخشان‌تر موفقیت‌های بزرگیت که در میدان‌های جنگ بدست آمده است. کدام یک از شما صحنه تاریخی پر افتخار بزانو درافتادن والیرین امپراطور روم بیای اسپ شاهنشاه ایران را ندیده‌اید؟

این صحنه بدستور شاپور اول بارها بر سنگ کوههای نقاط مختلف فارس حجاری شده است. توجه داشته باشید که این صحنه‌ها در نواحی مختلف



سجری از تیسون (۱۷×۴۲ سانتی متر)

فارس حجاری می‌شد، زیرا که ناحیه فارس موطن اصلی اردشیر و جانشینان او بود. مثلاً در کوههای کردستان یا نواحی ری و مازندران یا آذربایجان از این صحنه‌ها نقش نگردیده است. شاید سنگتراشی هم که آنها را نقش کرده اهل فارس بوده، زیرا هم ممکن است تصور کرد که این سنگتراشها مستقیماً بدستور شاهنشاه انجام میگرفته و هم احتمال داد که ابتکار سنگتراش خاصی بوده است. رفیق من گفت چنین صحنه‌های تاریخی بیش از اندازه قیمت دارد و حق اینست که در مقابل تمام آنها حصارهایی کشیده شود و از خطر گزند آفتاب و باد و باران مصون باشد، زیرا اینها یادگار و اسنادیست که از گذشتگان باقی مانده و باید صحیح و سالم بدست آیندگان برسد.

البته اسناد مهمی است، ولی من در مطالعه تاریخ باین وقایع درخشان کمتر از سایر مطالب علاقمند هستم. علاقه من بیشتر با اطلاع از وقایع اجتماعی



سجری فردینک تیسون (۶۰×۲۰ سانتی متر)

هر زمان است. البته تحصیل این اطلاعات مشکل ترست، زیرا بفرض اینکه سنگتراش ایرانی برای شاصحنه شکست امپراطور روم رانکشیده بود لااقل در کتب رومیان آن زمان که امروز در دست است از این وقایع اطلاع بدست می آمد، ولی اطلاع یافتن بر اینکه روابط مردم ایران در زمان ساسانی با مردم مغرب زمین تا چه میزانی بوده کار مشکل تری است و هیچ نویسنده یا مورخی بضبط آنها نپرداخته است، درحالیکه قطعه های ناقص کجبر بهایی که ما در آن دو جمع کردیم در این باره اطلاعات گرانبهایی بما می دهد.

شما در قفسه مغازه ای در تهران يك دوربین عکاسی ساخت کارخانه - های آلمان می بینید واز دیدن این دوربین در این مغازه استنباط می کنید که



مجبری در نزدیکی نیشون (۴۵×۴۹ میلی متر)

مردم ایران با مردم آلمان رفتو آمد دارند. اگر شخص مطلعی باشید قطعاً ادعا نخواهید کرد که این دوربین ساخت تهران است. در زمان قدیم عکس این قضیه بسیار اتفاق می افتاده، باین معنی که هزار بار هنرمندان و صنعتگران مغرب زمین از هنر و صنعت ایرانیان اقتباس و تقلید می کرده اند.

بنا بر این اگر شما از نقوش معمول در ساختمانهای مغرب زمین مربوط به قرن دوم قبل از میلاد تا اواخر دوره امپراطوری روم شرقی اطلاع داشته باشید با دیدن این کج بر بها چنین تشخیص می دهید که بعضی از این نقوش ساخته و پرداخته دنیای مغرب یا امپراطوری روم شرقی است. از این تشخیص چنین نتیجه می گیرید که گذشته از ارتباطات خصومت آمیز روابط هنری و صنعتی نیز بین مردم ایران و روم برقرار بوده است.

نقوش کجج بریها و ظروف و سایر آثار زمان ساسانی بر دو نوع است .
 بعضی از آنها در مغرب زمین دیده نمی شود و مخصوص بایران یا لااقل منحصر
 بشرق زمین می باشد ، بسیاری از آنها نیز از ابتکارات مخصوص هنرمندان
 ایران در زمان ساسانیان است (مثل نقش سیمرغ) . دسته دیگر از این نقوش
 بیشتر در مغرب زمین معمول بوده است .

بحث در باره تمام این نقوش کار یک مقاله نیست ، فقط بدکر بعضی
 از نمونه های آنها در این مقاله مبادرت میشود و بقیه آنها در مقاله دیگری
 باید مورد گفتگو قرار گیرد .

در عکس شماره یک در این مقاله نقوش برجسته کجج بری بمرضو
 طول ۳۵ در ۵۹ سانتیمتر که از تیسفون بدست آمده دیده می شود که متعلق به
 موزه متروپولیتن در نیویورک است .



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 صحن بری از نظام آباد در ۱۰۵×۳۵ سانتی متر

نقوشی که در این کجج بری به شکل شکسته شبیه است به هیچ وجه ارتباط
 با نشان مخصوص نازیها و جنبه مخالفت با قوم یهود را ندارد .
 این نقوش را بزبان های اروپائی « کرک » (بمعنی یونانی) می گویند .
 علت این وجه تسمیه شاید این باشد که در قسمت یونانی اروپا ، یا عبارت
 دیگر در سر زمین امپراطوری روم شرقی ، این نقش ها معمول بوده است .
 نقش « کرک » در زمان هخامنشیان در ایران وجود نداشته و از زمان اشکانیان
 ابنیه بسیاری هم باقی نمانده تا بتوانیم بگوئیم که در آن زمان اینگونه نقشها معمول
 بوده است یا نه . ولی در تیسفون و در بسیاری نقاط دیگر ایران در زمان ساسانیان
 این نقش معمول بوده و اقتباسی از نقوش معمول در امپراطوری روم بوده

است. نقش دیگری که در همین عکس دیده میشود و شباهت به برک بهم پیوسته دارد نیز از خصوصیات کار ایران نیست، ولی نقش سوم که گلی شش برک است مخصوص ایران است و حتی از علامت خاص کارهای زمان هخامنشی است. در زمان آشوربها هم چنین گل شش برک مورد استعمال داشته و از آنجا در کار سنگتراشان زمان هخامنشی در ایران وارد شده است.



۳۳ بری از دامغان (۱۸۰ مائیتتر)

در این قطعه کجج بری پایین ترتیب دو نوع طرح تزئینی وجود دارد: یکی تزئین هندسی (صلیب شکسته یا اسواستیکاس) و دیگری تزئین طبیعی یا گل شش برک.

دردوره‌های مختلف تاریخ و بین ملل مختلف در هر زمان نقوش هندسی یا طبیعی معمول می‌شده (با اصطلاح امروز مد می‌شده) و در اینجا هر دو نوع آن باهم دیده می‌شود.

ممکن است از این مطلب نتیجه بگیریم که مردم این زمان بیشتر علاقه داشتند در تزئینات خود نقوش مصنوعی و غیر طبیعی را ببینند. این طرز فکر و سلیقه بخصوصی بوده و مردم از این نقشی که از خطوط بهم پیچیده مرکب است و چشم شما را مسحور می‌کند و در خط سیر دائمی متحرک آن حرکت کند خوششان می‌آمده است. ممکن بود مثلا بجای این نقش هندسی درختی یا باغی یا چمن‌زاری نقش کنند (همانطوریکه در زمان شاه عباس می‌کردند) ولی آنان این نقش

پیچیده را که مانع می‌شود که چشم بیننده روی يك نقطه از آن ثابت بماند بیشتر می‌پسندیدند. رفیق من آنرا يك نوع آواز موسیقی موزونسی تشبیه کرد و گفت نقوش بعضی از قالبها نیز همین معنی را بدن او می‌آورد. عده‌ای از مؤلفین اروپائی سعی کرده‌اند مردم را متقاعد کنند که این طرز نقوش هندسی که سروته ندارد و می‌تواند بینهایت در مغز انسان ادامه یابد در نتیجه دستورهای مذهب اسلام بوجود آمده است، زیرا در امور مذهبی هنرمندان بعلم متنوع بودن ایجاد تصاویر سعی کرده‌اند نقوشی ایجاد کنند که توجه بیننده بطرف موجودات زمینی معطوف نشود و بیشتر در عالم معنوی سیر کند. ولی ملاحظه می‌کنید که این امر مربوط ببنح مذهبی نیست، زیرا این نقش متعلق بادوار قبل از اسلام است. این امر فقط مربوط يك طرز فکر و



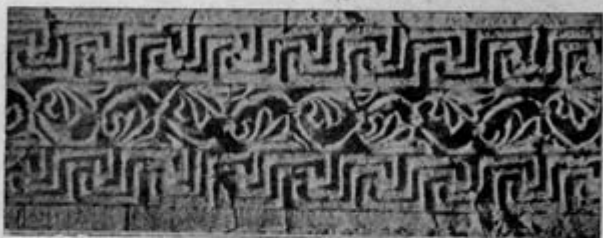
سجری از نظام آباد (۷۰×۴۴)

سلیقه است. در زمان ساسانیان ساختن مجسمه ممنوع نبود. با این حال کسی مجسمه نمی‌ساخت.

نقش شکل ۲ در این مقاله قسمتی دیگر از کج بریهای تیسفون است (۶۵ در ۶۵ سانتیمتر) که متعلق بموزه دولتی برلن میباشد. در اینجا دیگر نقش هندسی وجود ندارد. ولی نقوش از حال طبیعی خارج شده و حالت مصنوعی بخود گرفته‌است.

اینجا هنرمند بشما شاخه و برگ و گل و میوه را نشان میدهد. ولی اولاً شاخه‌ها همه با هم قرینه‌اند و هر کدام بدون استثناء سه میوه دارند و گل‌ها و

بر کها همه قرینه هم اند. در اینجا باز مرکزینی وجود ندارد و ممکن است این نقش را در مقابل چشمان یا در مخیله خود بینهایت ادامه دهید. بنا بر این همان اصولی را در این نقش ها رعایت کرده اند که نویسندگان اروپایی ایجاد آنرا وابسته بوجود مذهب اسلام می دانند.



سجج پری از نیسون - (۴۱۵ × ۵۵ سانتی متر)

در اینجا هنرمند بشما گفته است: درست است که من نقش خود را از طبیعت گرفته ام ولی در اینجا نخواستم طبیعت را بشما نشان بدهم، زیرا شما هر روز طبیعت را می بینید ولی من خواستم يك نقش بدهم که در طبیعت هر روز جلوی چشم شما نباشد و چشم از این نفسی که من بشما ارائه می دهم لنت می برد. غالب هنرمندان جدید هم در امر نقاشی همینطور استدلال می کنند و شما حرف آنها را نمی پسندید. آنها می گویند کار نقاش این نیست که طبیعت را عیناً روی تابلو بیاورد. بهر حال ما ایرانیان این قبیل نقوش را همواره پسندیده ایم و این دو عکس و عکسهای دیگری که در این صفحات چاپ شده است از نمونه های است که پدران ما آنها را می پسندیده اند. ولی نمونه های دیگر از زمان ساسانیان موجود است که در مقاله دیگر مورد گفتگو قرار می گیرد.

پرویز پنهان